

به جنگ امپریالیستی علیه ایران و لبنان پایان دهید! آزادی خلق-ها تنها در گرو مبارزات خود آنهاست!

در ۲۸ فوریه، نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل حملات هوایی علیه ایران را آغاز کردند و ۵ شهر بزرگ را بمباران نمودند. در همان حمله نخست در تهران، بخش عمده‌ای از رهبری جمهوری اسلامی و همچنین بیش از صد و شصت کودک مدرسه‌ای در شهر میناب واقع در جنوب ایران، به‌طور هدفمند کشته شدند. بدیهی است که این تجاوز نظامی «مغایر با حقوق بین‌الملل» علیه یک کشور مستقل انجام شد – همان‌گونه که امپریالیست‌های ناتو معمولاً چنین اتهامی را به رقبای خود وارد می‌کنند. علاوه بر این، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (که تحت کنترل امپریالیست‌های غربی است) نیز اذعان کرده است که ایران فاصله زیادی با تولید سلاح هسته‌ای دارد. ایران بلافاصله پس از نخستین حمله، پاسخ داد و اهداف نظامی در اسرائیل و همچنین پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس را مورد حمله قرار داد، آسیب رسانده و تا حدی نابود کرد. از آن زمان، دولت اتریش با گستاخی (همسو با رهبری اتحادیه اروپا) از ایران می‌خواهد که فوراً حملات موشکی خود را متوقف کند – یعنی از دفاع خود دست بکشد. از اوایل ماه مارس، حزب‌الله لبنان که متحد ایران است نیز وارد جنگ شده و از خاک لبنان با ارتش اسرائیل می‌جنگد، به همین دلیل ارتش اسرائیل دو بار (ناموفق) تلاش کرده است به لبنان پیشروی کند و تقریباً به‌صورت روزانه پایتخت لبنان بیروت و دیگر شهرهای این کشور را بمباران می‌کند. ایران طی روزهای اخیر تقریباً بدون وقفه از سوی پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل مورد حمله قرار گرفته است، اما همچنان قادر است مقاومت مؤثری در برابر متجاوزان امپریالیستی نشان دهد.

ما به‌عنوان کمونیست‌های انقلابی، قاطعانه – همانند هر موردی که یک قدرت امپریالیستی به یک کشور نواستعماری حمله می‌کند – در کنار مردم کشور مورد تهاجم می‌ایستیم و از آن در برابر هرگونه اقدامات خشونت‌آمیز امپریالیستی دفاع می‌کنیم. صرف‌نظر از اینکه آیا با دولت مربوطه موافق هستیم یا از سرنگونی آن در یک انقلاب توده‌ای-انقلابی حمایت می‌کنیم، هرگونه مداخله امپریالیستی را محکوم می‌کنیم زیرا این مداخلات همواره در جهت جایگزینی دولت‌های دست‌نشانده صورت می‌گیرد. هیچ‌گاه تجاوزات امپریالیستی منجر به روی کار آمدن دولت‌های مترقی و دموکراتیک نشده‌اند. برعکس، نمونه‌هایی مانند افغانستان، عراق، لیبی و سوریه نشان می‌دهند که تجاوزات آمریکا - ناتو برای منافع امپریالیستی خود، هرچند موجب ایجاد کرده و کشورها و ملت‌ها را به تجزیه، فقر و فلاکت می‌کشانند. تنها توده‌های مردم حق دارند حکومت خود را سرنگون کنند. ما بر این باوریم که جنگ بزرگ بعدی میان امپریالیست‌ها بین ایالات متحده و چین رخ خواهد داد. از آنجا که امپریالیسم آمریکا در حوزه اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای نفوذ خود را در برابر چین از دست می‌دهد، دیر یا زود ناچار خواهد شد با ابزارهای نظامی علیه رقیب اصلی جهانی خود اقدام کند.

برای درک بهتر از جنگ کنونی علیه ایران، باید به تاریخ بازگردیم

در سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۱، جنبش‌های مترقی بورژوازی-دموکراتیک در ایران که بدنبال انقلاب مشروطه شکل گرفته- بودند توسط مداخلات نظامی بریتانیا سرکوب شدند و در سال ۱۹۲۵، سلسله پهلوی توسط آن به قدرت رسانده شد. جبهه ملی ایران که بر پایه یک جنبش توده‌ای و ضدامپریالیستی شکل گرفته بود و به رهبری نخست‌وزیر محمد مصدق اداره می‌شد، در سال ۱۹۵۱ شرکت نفت انگلیسی-ایرانی را ملی کرد.

بریتانیا سازمان‌دهی شده MI6 تنها ۲ سال بعد (۱۹۵۳) او نیز در کودتایی که توسط سازمان سیا آمریکا و بود، سرنگون شد و قدرت مطلقه شاه به‌عنوان خدمتگزار مطیع امپریالیسم بریتانیا و آمریکا دوباره برقرار گردید. شرکت‌های خارجی دوباره بدون هیچ مانعی به کشور و منابع آن دسترسی پیدا کردند. آنچه امروز توسط هواداران شاه در تبعید ستایش می‌شود، در واقع یک دیکتاتوری خونین علیه تمامی نیروهای مخالف بود. با استفاده از تصاویر زنان با دامن‌های کوتاه و روشنفکرانی که در کافه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در تهران نشسته‌اند، وضعیت اقتصادی و سیاسی سرکوبگرانه برای کارگران و توده‌های مردم عمداً توسط نیروهای سلطنت‌طلب نادیده گرفته می‌شود. در واقع، در برابر رژیم تروریستی شاه، یک جنبش گسترده ضدامپریالیستی و دموکراتیک ملی شکل گرفت که سازمان‌های چریکی مسلح و انقلابی را به‌وجود آورد.

در اواسط دهه ۱۹۷۰، زمانی که مبارزات مردمی علیه رژیم شاه به‌طور فزاینده‌ای برای نفوذ آمریکا و ناتو در ایران تهدیدآمیز شد، ایالات متحده، فرانسه، آلمان و بریتانیا در سال ۱۹۷۹ در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفتند دیگر از شاه حمایت نکنند، بلکه آیت‌الله خمینی را به قدرت برسانند تا جنبش انقلابی-دموکراتیک را سرکوب کنند. در عرض چند سال، جنبش-های توده‌ای دموکراتیک توسط حاکمان جمهوری اسلامی ایران و «سپاه پاسداران انقلاب»، «بسیج و نیروهای شبه نظامی» از طریق دستگیری‌های گسترده، اعدام‌های علنی و کشتارهای جمعی نیروهای انقلابی و دگر اندیشان در زندان‌ها تا حد زیادی سرکوب شد. با توسل عوام‌فریبانه به دین و استفاده از آن به‌عنوان ابزار سلطه، حقوق دموکراتیک توده‌های مردم به‌طور فزاینده‌ای محدود شد و سرکوب جنبش‌های کارگری، زنان و اقلیت‌های ملی به‌شکل بی‌رحمانه‌ای پیش برده شد. رژیم خمینی از نظر تبلیغاتی سیاست خارجی «نه غربی، نه شرقی» را دنبال می‌کرد، اما در عمل درها برای سرمایه امپریالیستی کاملاً باز بود و ایران به کارگاه نئواستعماری امپریالیست‌های شرق و غرب تبدیل شد. تنها زمانی که آمریکا و متحدانش آشکارا به‌دنبال تغییر رژیم در ایران رفتند و اقتصاد کشور را با تحریم‌ها تحت فشار قرار دادند، آیت‌الله جدید، خامنه‌ای، حدود ۱۰ سال پیش شعار جدیدی را اعلام کرد: «نگاه ما حال به شرق است». امروزه رژیم ایران بخش بزرگی از نفت خود را به چین، دشمن استراتژیک اصلی آمریکا، صادر می‌کند. هدف کنونی جنگی آمریکا این است که چین – که در داخل کشور خود منابع نفتی محدودی دارد – را از این تأمین‌کننده مهم منبع انرژی جدا کند تا در جنگ پیش‌روی میان آمریکا و چین موقعیت مطلوب‌تری به‌دست آورد.

برای ایالات متحده، لزوماً مسئله تغییر رژیم مطرح نیست. آن‌ها حتی این را نیز به‌عنوان موفقیت تلقی خواهند کرد اگر جناح به‌اصطلاح «میان‌رو» پیرامون مرتجعینی مانند موسوی، خاتمی و روحانی و امثالهم به‌طور پایدار به قدرت برسد. انتصاب ولیعهد رضا پهلوی برای آمریکا این خطر را به همراه دارد که او از سوی توده‌های مردم در ایران به‌عنوان دست‌نشانده و مهره آشکار آمریکا به‌شدت رد می‌شود. پایگاه اصلی حمایت او در میان ایرانیان خارج از کشور است و نه در داخل کشور. اما برای آمریکا، در درجه نخست مسئله قطع دسترسی چین به نفت ایران است – و آن‌ها حتی یک ایران ویران‌شده با سال‌ها جنگ داخلی مانند سومالی، لیبی، سوریه، عراق، افغانستان و غیره را نیز به‌عنوان موفقیت جنگی محسوب خواهند کرد. علاوه بر این، هدف آمریکا و اسرائیل نابودی یا وارد کردن بیشترین خسارت ممکن به ظرفیت‌های نظامی منطقه‌ای ایران است. ایالات متحده علاقه زیادی دارد که اسرائیل را به‌عنوان یک پایگاه تعرض نظامی باثبات در غرب آسیا تقویت کند تا با کمک آن، کل غرب آسیا را تحت سلطه یا دست‌کم تحت کنترل نگه دارد. در این مسیر، رژیم کنونی ایران مانع محسوب می‌شود و به همین دلیل نیز در نخستین حمله، بخش بزرگی از رهبری جمهوری اسلامی ایران ترور شد. شهرک‌نشینان صهیونیست در فلسطین با «دولت اسرائیل» خود، نه تنها یک دژ برای امپریالیست‌های غربی به‌شمار می‌روند، بلکه از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً به اربابان خود وابسته‌اند. حتی در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در تابستان ۲۰۲۵، آن‌ها پس از یک هفته با کمبود موشک مواجه شدند و آمریکا مجبور شد سریعاً این کمبود را تأمین کند. بنابراین نادرست است که نقش اسرائیل در جنگ کنونی بیش از حد بزرگ جلوه داده شود: اسرائیل ابزاری برای پیشبرد منافع سرمایه مالی غرب است، نه برعکس. بیشترین آسیب در جنگ‌های امپریالیستی همواره متوجه توده‌های کارگر و زحمتکش است و به همین دلیل ما قاطعانه تجاوز امپریالیستی علیه ایران را محکوم می‌کنیم – و به این واقعیت آگاهیم که رژیم جمهوری اسلامی در داخل کشور به‌طور خشونت‌آمیز علیه مخالفان عمل می‌کند. تغییرات دموکراتیک – همان‌گونه که تجربه ۱۰۰ سال گذشته نشان داده است – هرگز از طریق حملات و مداخلات امپریالیستی حاصل نمی‌شوند، بلکه تنها از طریق بسیج و سازماندهی جنبش‌های توده‌ای کارگران و زحمتکشان در داخل کشور به دست می‌آیند.

IA:RKP-Initiative für den Aufbau einer Revolutionäre- Kommunistischen partei

ia.rkp.wordpress.com, ia.rkp2017@yahoo.com

< ترجمه و تکثیر جمعی از فعالین چپ در وین- اتریش >

باز نشر این نوشته با ذکر نام و منبع آن آزاد است!

**نظارات ضد جنگ، وین، اول آوریل ۲۰۲۶، ساعت ۱۷:۳۰، میدان کریستیان-پرودا
نه به جنگ – نه به جمهوری اسلامی – آری به حق تعیین سرنوشت مردم ایران**